

ارزیابی یکپارچگی مناطق حفاظت شده با به کارگیری رهیافت اکولوژی سیمای سرزمین (منطقه مورد مطالعه: پارک ملی و پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی)

بهزاد براتی^۱، علی جهانی^{۲*}، لعبت زبردست^۳، بهزاد رایگانی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته محیط زیست، گرایش ارزیابی و آمایش، دانشکده محیط زیست، کرج، ایران

۲. استادیار، گروه محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی، دانشکده محیط زیست، کرج، ایران

۳. استادیار، گروه برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۴)

چکیده

ازهم گسیختگی سیمای سرزمین بر اثر ساختن جاده‌ها، رشد زیربنای شهری و دیگر کاربری‌های انسانی به وجود می‌آید که در مناطق حفاظت شده باعث از بین رفتن زیستگاه‌ها می‌شود و بر حیات وحش از جمله گونه‌های مهم تأثیر زیادی می‌گذارد. این امر سبب شده است پایش و مدیریت مناطق حفاظت شده از طریق علم اکولوژی سیمای سرزمین و کمی کردن ازهم گسیختگی به امری مفید و کمک کننده بدل شود. هدف این تحقیق کمی کردن ازهم گسیختگی پارک ملی و پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی است. برای رسیدن به این هدف با به کارگیری تکنیک‌های RS و GIS کاربری‌های منطقه استخراج شد و با به کارگیری متریک‌های سیمای سرزمین (TE, CAP, CA, MSI, NP, MPS و MNN) در سطح کلاس ازهم گسیختگی منطقه بررسی شد. نتایج این تحقیق نشان داد در کل منطقه، لکه‌های مرتع خوب یکپارچه‌تر شد، ولی تعارضات موجود در منطقه مانند کاربری‌های معدن، کشاورزی و شهری باعث دورتر شدن این لکه‌ها از یکدیگر شده است که پیشنهاد می‌شود این تعارضات تا حد امکان کاهش یابند.

کلیدواژگان

ازهم گسیختگی، اکولوژی سیمای سرزمین، پارک ملی و پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی، متریک‌های سیمای سرزمین.

* نویسنده مسئول، رایانامه: Ajahani@ut.ac.ir

مقدمه

مناطق حفاظت شده محل های مناسبی برای فعالیت های آموزشی، پژوهشی و گردشگری در طبیعت محسوب شده و بی تردید از میراث های باارزش هر کشور محسوب می شوند. پایش یکپارچگی سیمای سرزمین و تغییرات زیستگاه در مناطق حفاظت شده مسئله مهمی برای سازمان های حفاظت از محیط زیست و طبیعت به شمار می رود (Paola et al. 2013, p.90). یکپارچگی و ارتباط داشتن زیستگاه ها در مناطق حفاظت شده برای دوام جمعیت های گیاهی و حیوانی مهم است، به ویژه زمانی که زیستگاه های مختلف مکمل یکدیگر باشند (leिताo & Ahren. 2002, p.83)، اما در طول این سال ها رشد فضایی شهری مقدار زیادی تغییر در ترکیب کاربری زمین در سراسر جهان ایجاد کرده است (Nkeki, 2016, p.129) که با رشد تعارضات انسانی مانند رشد زیربنای حمل و نقل و کاربری هایی مثل کشاورزی، یکپارچگی و ارتباط بین زیستگاه ها در مناطق حفاظت شده را کاهش داده اند و باعث افزایش ازهم گسیختگی این مناطق شده اند (Townsend et al., 2009, p.1415).

بیان مسئله

پارک ملی و پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی نیز به علت تعارضات انسانی (مثل زیربنای حمل و نقل، معادن، شهرک های صنعتی) دچار تغییر در ساختار سیمای سرزمین شده است که می تواند باعث کاهش یکپارچگی و افزایش ازهم گسیختگی منطقه و در پی آن، کاهش ارتباط بین زیستگاه جانوران و لکه های سیمای سرزمین شود که تأثیر زیادی بر حیات وحش منطقه می گذارد. پایش و نظارت تغییرات ساختاری سیمای سرزمین به منظور برنامه ریزی، مدیریت و ارزیابی سیاست های حفاظتی منطقه مورد نیاز است تا بتوان سیاست های حفاظتی بهتری در منطقه اعمال کرد. که در این تحقیق با به کارگیری متریک های اکولوژی سیمای سرزمین سطح ازهم گسیختگی پارک ملی و پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی با هدف ارزیابی یکپارچگی منطقه در ۲۰ سال اخیر برای دستیابی به مدیریتی بهتر بررسی می شود.

مبانی نظری تحقیق

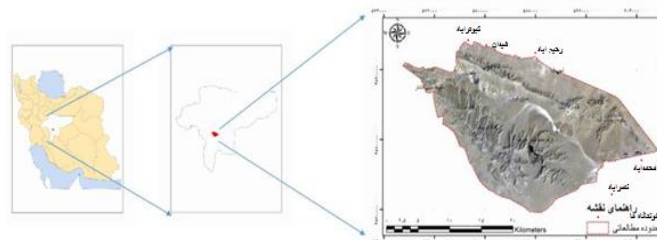
اکولوژی سیمای سرزمین علمی است که ارتباط الگوها و فرایندها را در سراسر مقیاس مکانی و زمانی مطالعه می‌کند و علمی بنیادی است که به مسائل اصلی در رابطه با وابستگی فرایندهای اکولوژیکی به تغییرات مکانی و زمانی می‌پردازد. طبق اصول، اکولوژی سیمای سرزمین سه ویژگی بارز ساختار، عملکرد و تغییر دارد. الگوهای ساختاری سیمای سرزمین از سه عنصر لکه، گذرگاه و بستر تشکیل شده است. این سه مفهوم کلی ابزاری را برای مقایسه و تفسیر سرزمین‌هایی با سیماهای بسیار متفاوت پدید می‌آورند. برای مطالعه این عملکردها و تغییرات سیمای سرزمین توانایی کمی‌کردن این تغییرات لازم است که متریک‌های مختلفی از اکولوژی سیمای سرزمین برای این هدف ایجاد شد که در سال‌های اخیر برای توابع زیستگاه، توابع تنظیم و توابع اطلاعات سیمای سرزمین و تغییرات پوشش / کاربری اراضی به‌کار رفته‌اند که بیشتر این مطالعات در رابطه با تغییرات پوشش / کاربری اراضی بوده و کمترین استفاده مربوط به توابع اطلاعات بوده است. کاستیلو و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی تغییر پوشش جنگل با استفاده از تکنیک سنجش‌ازدور و معیارهای سیمای سرزمین در پارک طبیعی مونکایو^۱ (اسپانیا)» با به‌کارگیری تکنیک سنجش‌ازدور، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و شاخص‌های کمی اکولوژی سیمای سرزمین تغییرات مکانی و زمانی در پوشش جنگل در پارک طبیعی مونکایو (اسپانیا) را از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۰ تجزیه و تحلیل کردند (Castillo, 2015, p.250). معیارهای سیمای سرزمین به‌دست‌آمده در سطح سیمای سرزمین نشان‌دهنده افزایش ازهم‌گسیختگی و در نتیجه، افزایش تنوع فضایی سیمای سرزمین بود. زبردست و همکاران (۱۳۹۰) در پارک ملی گلستان، از متریک‌های اکولوژی سیمای سرزمین (NP, MPS, CA, TE, ED, MPE, MPAR, MNN, MSI, MPFD) برای کمی‌کردن تغییرات ساختاری در راستای تعیین آثار فضایی ناشی از این جاده به‌کار گرفتند. نتایج اندازه‌گیری متریک‌ها نشان‌دهنده افزایش ازهم‌گسیختگی در پارک ملی گلستان است که در سطح سیمای سرزمین و طبقه جنگل متراکم مشاهده‌شدنی است (زبردست و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

1. Moncayo

روش تحقیق

منطقه مورد مطالعه

پارک ملی و پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی با مساحت ۵۱۰۰۰ هکتار در جنوب شرقی اصفهان و در مجاورت شهر جدید بهارستان در طول جغرافیایی $51^{\circ} 57' 57''$ و $52^{\circ} 8' 9''$ و عرض جغرافیایی $33^{\circ} 15' 33''$ و $34^{\circ} 28' 20''$ قرار دارد. در داخل پارک ملی و پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی منطقه مسکونی دیده نمی‌شود، ولی در اطراف آن تعداد زیادی منطقه مسکونی وجود دارد (شکل ۱).



شکل ۱. منطقه مورد مطالعه (مأخذ: نگارندگان)

سخت‌افزارهای به‌کارگرفته‌شده در این تحقیق شامل یک دستگاه رایانه و موقعیت‌یاب جهانی (GPS) و نرم‌افزارها شامل EDRISI Selva 17، ERDAS IMAGINE 2014، ARC GIS 10/2 و FRAGSTATS است. تأثیر تغییرات گسترده اقلیم کاربری‌ها روی گونه‌ها و با توجه به اینکه اطلاعات بزرگ‌مقیاس می‌توانند قدرت برنامه‌ریزی را بهبود بخشند، توجهات بر روی برنامه‌ریزی بزرگ‌مقیاس حفاظت افزایش یافته است (Olsoy et al., 2016, p.12). در این تحقیق از تصاویر ماهواره‌اندست برای بررسی تغییرات ساختاری و ازم‌گسیختگی منطقه به‌کار گرفته شد. بدین منظور ابتدا از این تصاویر نقشه پوشش/ کاربری منطقه استخراج شد. سپس، متریک‌های سیمای سرزمین برای بررسی تغییرات ساختاری در محیط نرم‌افزار FRAGSTATS برای سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۳ و ۲۰۱۴ اندازه‌گیری شد. با مقایسه و تفسیر این متریک‌ها نتایج به‌دست آمد و طبق این نتایج پیشنهادهایی مطرح شد.

تهیه نقشه پوشش / کاربری منطقه

آماده‌سازی تصاویر

برای بررسی یکپارچگی پارک ملی و پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی ابتدا نقشه پوشش / کاربری منطقه تهیه شد. بدین منظور ابتدا تصاویر ماهواره‌ای مربوط به سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۳ و ۲۰۱۴ که به ترتیب مربوط به سنجنده‌های TM، ETM⁺ و OLI ماهواره لندست می‌باشند. در این تحقیق برای تصحیح هندسی تصاویر روش نقطه‌زنی در عرصه توسط دستگاه GPS به‌کار گرفته شد. بدین منظور، ابتدا توسط دستگاه GPS مختصات درست این نقاط برداشت شد و در نرم‌افزار ERDAS تصحیح هندسی تصویر ۲۰۱۴ انجام گرفت. به طوری که RMS خطای مربوط به تصحیح هندسی کمتر از ۰/۵ به دست آمد. برای تصحیح رادیومتریک و اتمسفری نیز روش تصحیح اتمسفری مطلق توسط مدل ATCOR در نرم‌افزار ERDAS به‌کار گرفته شد.

طبقه‌بندی تصاویر

اصولاً قبل از انجام دادن طبقه‌بندی بر روی هر تصویر ماهواره‌ای، باید یک الگوی طبقه‌بندی استاندارد مد نظر قرار گیرد تا واقعیت‌های مربوط به پوشش / کاربری اراضی به درستی طراحی شود الگوی به‌کار گرفته شده در این تحقیق، طرح طبقه‌بندی اندرسون است که در مطالعات زیادی برای طبقه‌بندی تصاویر به‌کار گرفته شده است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۸۲). با توجه به این طرح الگوی به‌کار گرفته شده در این تحقیق شامل پنج طبقه بایر (معدن سنگ در این پژوهش)، مرتع خیلی ضعیف، مرتع خوب، شهری و کشاورزی است. برای طبقه‌بندی پوشش گیاهی این منطقه شاخص پوشش گیاهی NDVI در نرم‌افزار EDRISI به‌کار گرفته شد. با توجه به تحقیق راهداری و همکاران (۱۳۹۲) و جباری (۱۳۹۰) به‌کارگیری این شاخص طیفی در تحقیقات مشابه مناسب نشان داده است. با این روش مراتع منطقه در دو طبقه مرتع خیلی ضعیف و مرتع خوب طبقه‌بندی شد برای جداسازی مناطق بایر (معدن سنگ این پژوهش) نیز با توجه به اینکه در معادن سنگ هیچ‌گونه پوشش گیاهی نمی‌روید و به‌عنوان منطقه بایر در نظر گرفته می‌شود (Anderson et al., 1976, p.83) در فصل رشد به‌کار گرفته شد. برای استخراج

کاربری کشاورزی با توجه به اینکه معمولاً مراحل کاشت و برداشت در طول سال متغیر است، دو تصویر در هر سال به کار گرفته شده و به منظور خلاصه‌سازی لایه‌ها و تجمیع آن‌ها در چند باند تجزیه مؤلفه اصلی PCA به کار گرفته شد. پس از انجام دادن PCA تصویر حاصل توسط طبقه‌بندی نظارت‌نشده به کلاس‌های مختلف تقسیم شد و با توجه به شناخت از منطقه کلاس‌های مربوط به کشاورزی استخراج شدند. طبقه شهری در منطقه شامل یک شهرک صنعتی و چند جاده آسفالت است که برای طبقه‌بندی شهرک صنعتی مانند طبقه‌بندی کاربری کشاورزی عمل شد ولی با توجه به اینکه جاده‌های منطقه با تصاویر ۳۰ متری لندست قابل طبقه‌بندی نیستند، ولی برای تأمین اهداف این تحقیق لازم می‌باشند، فایل وکتوری جاده‌های آسفالت منطقه (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح) به تصویر رستری با پیکسل ۳۰ متری تبدیل و این گونه طبقه‌بندی شد. در نهایت، همه پوشش / کاربری‌های استخراج شده در یک فایل قرار گرفتند و بدین صورت نقشه پوشش / کاربری منطقه تهیه شد.

ارزیابی صحت طبقه‌بندی

در این تحقیق به منظور صحت نقشه‌ای که از تصاویر سال ۲۰۱۴ تولید شده است نقاط برداشت شده با GPS به کار گرفته شد. برای ارزیابی صحت نقشه تهیه شده از تصاویر سال ۲۰۰۳ و تصاویر سال ۱۹۹۳، تفسیر چشمی تصاویر بازسازی شده همان سال‌ها به کار گرفته شد.

بررسی ازهم‌گسیختگی پارک ملی و پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی

در این گام متریک‌های مورد نظر برای بررسی ازهم‌گسیختگی منطقه اندازه‌گیری شد، بدین منظور نقشه کاربری‌های منطقه برای سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۳ و ۲۰۱۴ به نرم‌افزار FRAGSTATS منتقل شد و متریک‌های مورد نظر محاسبه شد و با هم مقایسه شدند.

معرفی متریک‌های به کار گرفته شده در تحقیق

در این تحقیق متریک‌های CA، CAP، TE، MSI، NP، MPS و MNN به منظور کمی‌سازی تغییرات ساختاری و ازهم‌گسیختگی منطقه به کار گرفته شد (جدول ۱).

جدول ۱. متریک‌های اکولوژی سیمای سرزمین در تحقیق حاضر

متریک‌ها	روش محاسبه	دامنه تغییر
مساحت کلاس	$CA = \sum_{j=1}^n a_{ij} \left(\frac{1}{1000} \right)$	$CA > 0$
درصد مساحت کلاس	$CAP = Pi = \frac{\sum_{j=1}^n a_{ij}}{A} (100)$	$0 < CAP \leq 100$
تعداد لکه	$NP = n_i$	$NP \geq 1$
کل لبه	$TE = \sum_{k=1}^m e_{ik}$	$TE \geq 0$
میانگین شاخص شکل		$MSI \geq 1$
میانگین فاصله نزدیکترین همسایه		$MNN > 0$
متوسط اندازه لکه		$MPS > 0$

منبع: Jaeger et al., 2008, p.748; McGarigal & Marks. 1995, p.450

متغیرهای فرمول‌های جدول ۱ نشان‌دهنده موارد زیر است:

A: مساحت کل لکه‌ها، a_{ij} : مساحت لکه مورد نظر، e_{ik} : طول لبه بین لکه‌های i و k ، h_{ij} : فاصله از نزدیکترین لکه هم‌نوع در سیمای سرزمین، N : تعداد لکه‌ها، n_i : تعداد لکه i ، p_{ij} : محیط لکه مورد نظر.

یافته‌های تحقیق

استخراج نقشه‌های پوشش/کاربری منطقه

پس از انجام دادن پیش‌پردازش، تصاویر سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۳ و ۲۰۱۴ طبقه‌بندی، و نقشه‌های پوشش و کاربری منطقه آماده شد (شکل ۲، ۳ و ۴) و مورد ارزیابی صحت قرار گرفت که نتایج ارزیابی صحت این نقشه‌ها نشان می‌دهد صحت کلی برای سال ۲۰۱۴، ۸۷٫۶۵، سال ۲۰۰۳، ۸۹٫۵۲

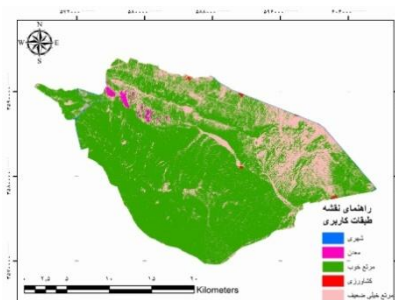
و برای سال ۱۹۹۳، ۸۹/۰۰ درصد و ضریب کاپا به ترتیب ۰/۸۴۵، ۰/۸۶۸ و ۰/۸۶۲ است که مبین همخوانی نقشه تولیدشده با واقعیت زمینی است. نتایج اندازه‌گیری مساحت کاربری‌ها نشان می‌دهد بیشترین مساحت کاربری در هر سه سال مربوط به مرتع خوب است که از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۳ افزایش یافته است و این روند ادامه داشته تا در سال ۲۰۱۴ به ۳۹۴۶۸/۵۱ هکتار رسیده است. کاربری شهری، معدن و مرتع خیلی ضعیف نیز همین روند را داشته‌اند و از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است، اما کشاورزی از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ افت کمی داشته است، اما دوباره تا سال ۲۰۱۴ افزایش زیادی داشته است (جدول ۲). درصد تغییرات کاربری‌ها نیز نشان‌دهنده کاهش کاربری کشاورزی و مرتع خیلی ضعیف و افزایش کاربری مرتع خوب و معدن و شهری از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۳ بوده است که بیشترین درصد افزایش مربوط به کاربری معدن و بیشترین درصد کاهش مربوط به مرتع خیلی ضعیف بوده است (شکل ۵). اما از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۴ همه کاربری‌ها به جز مرتع خیلی ضعیف افزایش پیدا کرده‌اند که بیشترین نرخ افزایش مربوط به کاربری کشاورزی بوده است (شکل ۶). به‌طور کلی از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۱۴ همه کاربری‌ها افزایش یافته است، به جز مرتع خیلی ضعیف که بیشترین نرخ را کشاورزی به خود اختصاص داده است و بعد از آن به ترتیب، کاربری‌های معدن، مرتع خوب و شهری روندی افزایشی را نشان می‌دهند (شکل ۷).

جدول ۲. تغییرات مساحت کاربری‌های منطقه از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۱۴

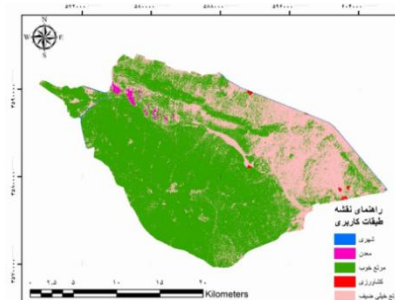
کاربری	۱۹۹۳	۲۰۰۳	۲۰۱۴	درصد کاربری‌ها در سال ۱۹۹۳	درصد کاربری‌ها در سال ۲۰۰۳	درصد کاربری‌ها در سال ۲۰۱۴
شهری	۱۶۳,۱۷	۱۷۵,۱۴	۱۸۱,۹۸	۰,۳۲	۰,۳۴	۰,۳۶
معدن	۲۶۴,۷۸	۳۳۳,۶۳	۳۸۸,۶۲	۰,۵۲	۰,۶۵	۰,۷۶
مرتع خوب	۳۴۳۰,۱۵۲	۳۸۸۹۰,۵۳	۳۹۴۶۸,۵۱	۶۷,۱۹	۷۶,۱۷	۷۷,۳۱
کشاورزی	۹۰,۰۹	۷۳,۸۹	۲۰۳,۴۹	۰,۱۸	۰,۱۵	۰,۴۰
مرتع خیلی ضعیف	۱۶۲۳۰,۵۱	۱۱۵۷۷,۲۴	۱۰۸۱۲,۶۹	۳۱,۷۹	۲۲,۶۸	۲۱,۱۸

منبع: مطالعات نگارندگان

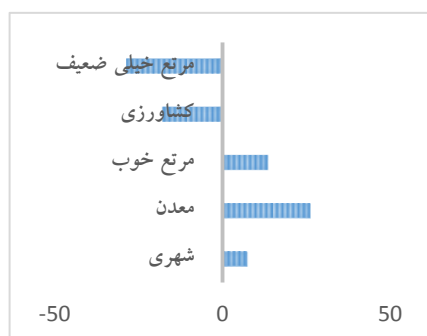
ارزیابی یکپارچگی مناطق حفاظت‌شده با به‌کارگیری رهیافت اکولوژی سیمای سرزمین (منطقه مورد مطالعه: ... □ ۱۶۱



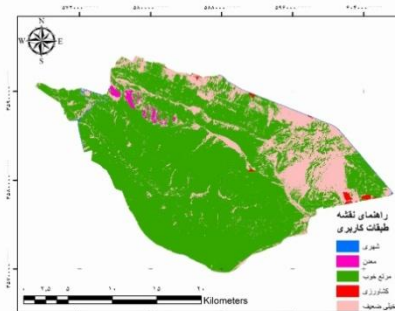
شکل ۳. نقشه طبقات کاربری سال ۲۰۰۳
(ماخذ: نگارندگان)



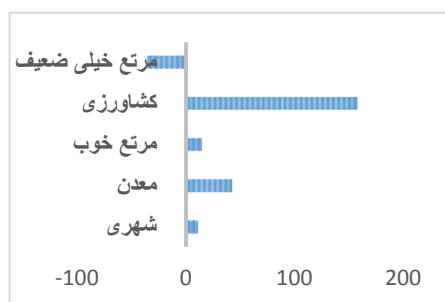
شکل ۲. نقشه طبقات کاربری سال ۱۹۹۳
(ماخذ: نگارندگان)



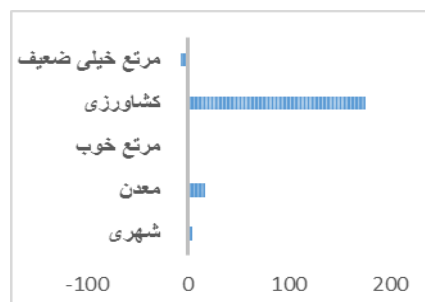
شکل ۵. نمودار درصد تغییرات کاربری‌های منطقه از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ (ماخذ: نگارندگان)



شکل ۴. نقشه طبقات کاربری سال ۲۰۱۴
(ماخذ: نگارندگان)



شکل ۷. نمودار درصد تغییرات کاربری‌های منطقه از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۱۴ (ماخذ: نگارندگان)



شکل ۶. نمودار درصد تغییرات کاربری‌های منطقه از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ (ماخذ: نگارندگان)

تجزیه و تحلیل متریک‌های سیمای سرزمین

تجزیه و تحلیل این متریک‌ها اطلاعاتی کمی از ساختار و ازهم‌گسیختگی سیمای سرزمین منطقه مورد مطالعه فراهم می‌کند (Scariot et al., 2015, p.57). روند تغییرات این متریک‌ها در سطح کلاس برای کاربری مرتع خوب که نشان‌دهنده ساختار مناسب منطقه است مبنای مقایسه بین سیمای سرزمین منطقه در سال‌های مورد مطالعه قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۳ بیان شده است.

جدول ۳. تغییرات متریک‌های سیمای سرزمین از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۱۴ در منطقه

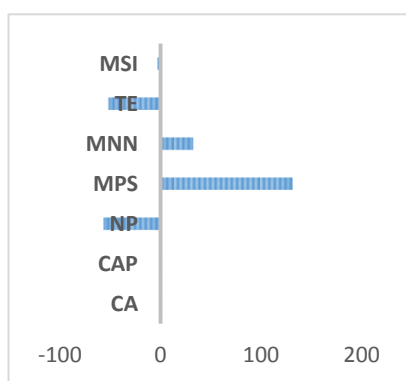
نام متریک	درصد تغییرات			۲۰۱۴	۲۰۰۳	۱۹۹۳
	درصد تغییرات ۲۰۱۴-۲۰۰۳	درصد تغییرات ۲۰۰۳-۱۹۹۳	درصد تغییرات ۲۰۱۴-۱۹۹۳			
CA	۱,۴۸۶	۱۳,۳۸	۳۹۴,۶۸,۵۱	۳۸۸۹۰,۵۳	۳۴۳۰۱,۵۲	
CAP	۱,۴۸۶	۱۳,۳۸	۷۷,۳۱	۷۶,۱۷	۶۷,۱۹	
NP	-۵۶,۰۲	-۳۶,۲۹	۱۴۵۰	۳۲۹۷	۵۱۷۵	
MPS	۱۳۰,۶۸	۷۷,۹۸	۲۷,۲۲	۱۱,۸۰	۶,۶۳	
MNN	۳۲,۵۲	-۱۰,۶۴	۴۷,۵۱	۳۵,۸۵	۴۰,۱۲	
TE	-۵۱,۰۹	-۰,۴۲	۲۵۸۸۳۴۰	۵۲۹۲۰۰۰	۵۳۱۴۳۲۰	
MSI	-۲,۳۲۵	۳,۲	۱,۲۶	۱,۲۹	۱,۲۵	

منبع: مطالعات نگارندگان

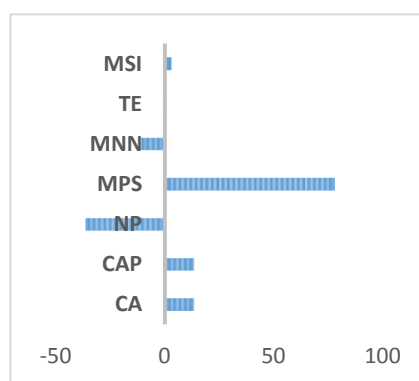
همان‌طور که در جدول ۳ و شکل ۸ مشخص است، مهم‌ترین متریک‌های افزایش یافته در مورد طبقه مرتع خوب از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۳، متریک MPS، CA و CAP است، که افزایش این متریک‌ها نشان‌دهنده اتصال لکه‌های کوچک و بزرگ شدن اندازه لکه‌ها و یکپارچگی بیشتر است. از مهم‌ترین متریک‌های کاهش یافته نیز می‌توان به NP و MNN اشاره کرد که نشان‌دهنده کمتر شدن و نزدیک‌تر شدن لکه‌های طبقه مرتع است که خود مبین کاهش ازهم‌گسیختگی در منطقه است. از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۴ مهم‌ترین متریک‌های افزایش یافته طبق جدول ۳ و شکل ۹، مربوط به MPS و MNN است. این به معنای افزایش اندازه لکه‌ها (ازهم‌گسیختگی کمتر) و افزایش فاصله لکه‌ها و کاهش ارتباط آن‌ها (ازهم‌گسیختگی بیشتر) است. متریک‌های مهم کاهش یافته نیز NP و

ارزیابی یکپارچگی مناطق حفاظت‌شده با به‌کارگیری رهیافت اکولوژی سیمای سرزمین (منطقه مورد مطالعه: ... □ ۱۶۳

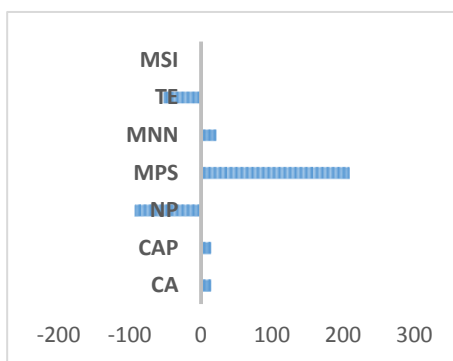
TE بوده که نشان‌دهنده یکپارچه‌تر شدن لکه‌ها و کاهش نواحی مرزی است که هر دو نشان‌دهنده کاهش ازهم‌گسیختگی در طبقه مرتع هستند. به‌طور کلی نیز از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۱۴ متریک MNN، MPS، CA و CAP افزایش یافته که نشان‌دهنده افزایش طبقه مرتع در لکه‌های بزرگتر و دورتر ازهم است. متریک NP و TE نیز کاهش یافته که نشان‌دهنده کاهش ازهم‌گسیختگی در منطقه است (شکل ۱۰).



شکل ۹. نمودار درصد تغییرات متریک‌ها برای مرتع خوب در کل منطقه از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ (ماخذ: نگارندگان)



شکل ۸. نمودار درصد تغییرات متریک‌ها برای مرتع خوب در کل منطقه از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ (ماخذ: نگارندگان)



شکل ۱۰. نمودار درصد تغییرات متریک‌های مرتع خوب در کل منطقه از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۴ (ماخذ: نگارندگان)

بحث و نتیجه

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد داده‌های سنجش‌ازدور مانند داده‌های ماهواره لندست برای استخراج انواع نقشه‌های کاربری و پوشش اراضی، و پایش تغییرات از توانایی لازم برخوردارند. این یافته‌ها همچنین، نشان می‌دهد می‌توان داده‌های سنجش‌از دوری را در علم اکولوژی سیمای سرزمین به‌کار برد. با توجه به اینکه این داده‌ها اقتصادی و دقیق‌اند، داده‌های سنجش‌از دوری می‌توانند نقش مفیدی در پایش تغییرات و استفاده در رهیافت اکولوژی سیمای سرزمین برای بهبود برنامه‌ریزی و مدیریت مناطق حفاظت‌شده داشته باشند که مطالعه گروم و همکاران (۲۰۰۶) این نتیجه را تأیید می‌کند. در این تحقیق متریک‌های CA، CAP، TE، MSI، NP، MPS و MNN به منظور کمی‌سازی تغییرات ساختاری و ازهم‌گسیختگی منطقه به‌کار گرفته شد (جدول ۱). نتایج این تحقیق حاکی از افزایش متریک‌های مساحت و درصد مرتع خوب طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ است. همچنین، تعداد لکه‌های مرتع خوب کاهش یافته و بزرگتر شده‌اند، در حالی که میزان لبه در آن‌ها کاهش داشته و فاصله آن‌ها نیز نزدیک‌تر شده است. بنابراین، می‌توان اشاره کرد کارکرد رویشگاهی و زیستگاهی در منطقه مورد مطالعه حفظ شده و یکپارچگی زیستگاه بهبود یافته است. بر مبنای اصول بوم‌شناختی سیمای سرزمین، هر چه تعداد لکه‌های اکوسیستم بیشتر باشد، آن اکوسیستم در معرض آسیب‌پذیری بیشتری است (McGarigal & Marks, 1995, p.455). مهم‌ترین اثر حفظ یکپارچگی مرتع خوب در ارتباط با کارکرد رویشگاهی در تقویت زادآوری و تکثیر گونه‌های مرتعی با کیفیت علوفه و ارزش غذایی بالا و در ارتباط با کارکرد زیستگاهی در تأمین نیاز غذایی علفخواران منطقه از جمله قوچ و میش و آهوی ایرانی، و تضمین بقای گونه‌های وابسته به علفخواران است. در تأیید موضوع یادشده، اسپنسر و همکاران (۲۰۱۷) مطالعه‌ای روی ازهم‌گسیختگی مراتع و ارتباط آن با جمعیت مرغ دشتی در کانزاس ایالات متحده انجام دادند که نتایج اصلی آن کاهش ۸۴ درصدی جمعیت مرغ دشتی متناسب با افزایش ازهم‌گسیختگی مراتع بومی به‌عنوان زیستگاه اصلی گونه هدف تعیین شده است. از دلایل افزایش یکپارچگی طی سال‌های مورد مطالعه می‌توان به ارتقای منطقه به پارک ملی که از درجه حفاظتی بالاتری

برخوردار است. همچنین، جلوگیری از ورود دام به داخل منطقه اشاره کرد. با توجه به ارتقای منطقه به پارک ملی به‌تبع حفاظت از منطقه با افزایش تعداد محیط‌بانی‌ها و محیط‌بانان و تدابیر مدیریتی مؤثر بیشتر انجام می‌گیرد و حفاظت از منطقه بهبود می‌یابد. تحقیق اسکوکانووا و اریمیاسووا (۲۰۱۳)، و اسکاریوت و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان می‌دهد حفاظت باعث افزایش یکپارچگی و در نتیجه کارکرد مؤثرتر رویشگاهی و زیستگاهی می‌شود. از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۴ طرح مدیریت پارک تکمیل شده و زون‌بندی‌های منطقه انجام گرفته است. این امر باید باعث بهبود منطقه از لحاظ مرتع خوب شود که اندازه‌گیری متریک‌ها نشان می‌دهد مساحت و درصد مرتع خوب افزایش داشته است، تعداد لکه‌ها کمتر و اندازه آن‌ها بزرگتر شده، مقدار لبه و مرز مرتع خوب نیز کمتر شده است. بنابراین، وضعیت یکپارچگی مرتع خوب بهبود یافته است. با توجه به اصول اکولوژی سیمای سرزمین از نظر تعداد و اندازه لکه، تجمع لکه‌های کوچک به لکه‌های بزرگ می‌تواند باعث بهبود کیفیت کارکرد زیستگاه داخلی شود که موجب افزایش جمعیت گونه‌ها، کاهش احتمال انقراض و دستیابی به کارکرد مؤثر زیستگاهی می‌شود. با توجه به این نکته پارک ملی و پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۴ از نظر یکپارچگی و دستیابی به اهداف مدیریت حفاظتی سرزمین ارتقا یافته است.

کاهش متریک MNN نشان می‌دهد لکه‌های مرتع خوب از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ از یکدیگر دور شده‌اند که نشان‌دهنده کاهش جاپاها و گذرگاه‌ها در منطقه است که می‌تواند مشکلات زیادی برای حیات وحش منطقه ایجاد کند. وجود تشابه ساختاری و پوشش گیاهی میان گذرگاه‌ها و لکه‌ها باعث حرکت بهتر گونه‌ها می‌شود. در بسیاری از موارد، تشابه در ساختار، تنها عامل تسهیل‌کننده برای حرکت گونه‌های داخلی در میان لکه‌های بزرگ است و یک ردیف جاپا (لکه‌های کوچک و پراکنده) در جای فاقد گذرگاه، می‌تواند نقش ارتباطی متوسطی داشته باشد. وجود چنین لکه‌های ارتباطی حرکت گونه‌ها را میان لکه‌های بزرگ به‌طور نسبی تسهیل می‌کند. کاهش ارتباط بین لکه‌ها می‌تواند به دلیل افزایش چشم‌گیر کاربری کشاورزی، معدن و شهری در منطقه باشد و با توجه به اینکه این کاربری‌ها به شکل پیوسته تحت تأثیر فعالیت‌های روزمره انسان است، وجود موانع جداساز جمعیت گونه‌ها، سبب تقسیم مجدد جمعیت گونه‌های ساکن و جمعیت‌های

حدواسط می‌شود. این امر نشان می‌دهد حفاظت و مدیریت سرزمین در منطقه برای سال‌های آینده به گونه‌ای باید اعمال شود که لکه‌های مرتع خوب به یکدیگر نزدیک شوند و جاپاها و گذرگاه‌هایی برای عبور حیات وحش بین لکه‌های بزرگ زیستگاهی ایجاد شود.

متریک‌های سیمای سرزمین در طی ۲۰ سال اخیر به‌خوبی نشان می‌دهد ارتقای منطقه به پارک ملی (حفاظت بیشتر) و عدم حضور دام در منطقه، باعث افزایش یکپارچگی سرزمین و ارتقای کارکردهای رویشگاهی و زیستگاهی منطقه شده است. کاربری‌های ناسازگار سرزمین در منطقه مورد مطالعه از جمله کشاورزی، معدن و شهری باعث افزایش فاصله بین لکه‌ها و عدم ارتباط بین زیستگاه‌ها در ساختار سیمای سرزمین شده است. تجزیه و تحلیل اتصال لکه‌ها در سیمای سرزمین ابزار عمده‌ای در حمایت از تنوع زیستی است (Pierik et al., 2016, p.817) و حفظ اتصال سیمای سرزمین یکی از تأثیرگذارترین راه‌ها برای کاهش ازهم‌گسیختگی و مشکلات کاهش تنوع زیستی است (Qi et al., 2017, p.70) که با توجه به اهمیت اتصال در لکه‌های سرزمین می‌توان در مطالعات آتی گذرگاه‌هایی اکولوژیکی برای اتصال لکه‌های دورازهم طراحی کرد.

پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود در مدیریت منطقه ساماندهی و مدیریت کاربری‌های ناسازگار در اولویت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی سرزمین قرار گیرد. با توجه به اینکه ویژگی‌های تنوع زیستی را می‌توان با ناهمگونی سیمای سرزمین مرتبط دانست (با افزایش پیچیدگی سیمای سرزمین تنوع زیستی افزایش می‌یابد)، شاخص تنوع زیستی می‌تواند ابزاری مفید برای ارزیابی وضعیت تنوع زیستی در یک سیمای سرزمین ناهمگون باشد (Valerio et al., 2016, p.633) که پیشنهاد می‌شود این شاخص برای اندازه‌گیری تنوع زیستی منطقه به‌کار گرفته شود.

منابع و مأخذ

۱. جباری، سمیه، خواجه‌الدین، سید جمال‌الدین، سلطانی، سعید، و جعفری، رضا (۱۳۹۰). تعیین درصد پوشش گیاهی مراتع با استفاده از سنجش‌ازدور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (مطالعه موردی سمیرم اصفهان). *همایش ملی ژئوماتیک*، تهران، سازمان نقشه برداری کشور، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۰.
۲. جعفری، شیرکو، علیزاده، افشین، و دانه‌کار، افشین (۱۳۹۱). بررسی کاربرد سنجه‌های سیمای سرزمین در بررسی روند تغییرات کاربری اراضی و اثر آن بر مناطق حفاظت‌شده (مطالعه موردی: مجموعه مناطق حفاظت‌شده جاجرود و ورجین). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران- پردیس کشاورزی و منابع طبیعی گروه محیط زیست.
۳. راهداری، وحید، سفیانیان، علیرضا، خواجه‌الدین، سید جمال‌الدین، و ملکی نجف‌آبادی، سعیده (۱۳۹۲). بررسی قابلیت داده‌های ماهواره‌ای در تهیه نقشه درصد تاج پوشش گیاهی مناطق خشک و نیمه‌خشک (مطالعه موردی پناهگاه حیات وحش موله). *علوم تکنولوژی محیط زیست*، دوره ۱۵، شماره ۲۳، صفحات ۵۴-۴۳.
۴. زبردست، لعبت، یآوری، احمدرضا، صالحی، اسماعیل، و مخدوم، مجید (۱۳۹۰). بررسی تغییرات ساختاری ناشی از جاده در پارک ملی گلستان در فاصله سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۹ با استفاده از متریک‌های اکولوژی سیمای سرزمین. *پژوهش‌های محیط زیست*، سال ۲، شماره ۴، صفحات ۲۰-۱۱.
5. Anderson J. R., Hardy E. E., Roach J. T., & Witmer R. E. (1976). *Lands cover classification system for use with remote sensor data*. USA: United States Government Printing Office, USGS press.
6. Castillo, E. M. D., Garcia-Martin, A., Aladren, L. A. L., & Luis, M. D. (2015). Evaluation of forest cover change using remote sensing techniques and landscape metrics In Moncayo Natural Park (Spain). *Applied Geography*, 62, 247-255.
7. Groom, G., Mucher, C. A., Ihse, M., & Wrבka, T. (2006). Remote Sensing in landscape ecology: experiences and perspectives in a European context. *Landscape Ecology*, 21, 391-408.

8. Jaeger, J., Bertiller, R., Schwick, C., Muller, K., Steinmeier, C., Ewald, K., & Ghazoul, J. (2008). Implementing landscape fragmentation as an indicator in the Swiss Monitoring System of Sustainable Development (MONET), *Environmental Management*, 88, 737-751
9. Leitao, B., Andre, M., & Ahren, J. (2002). Applying landscape ecological concepts and metrics in sustainable landscape planning, *Landscape and Urban Planning*, 59, 65-93.
10. McGarigal, K., & Marks B. J. (1995). *FRAGSTATS: Spatial Pattern Analysis Program for Quantifying Landscape Structure*. Forest Science Department. Corvallis: Oregon State University.
11. Nkeki, N. F. (2016). Spatio-temporal analysis of land use transition and urban growth characterization in Benin metropolitan region, Nigeria. *Remote sensing Applications: Society and Environment*, 4, 119-137.
12. Olsoy, J. P., Zeller, A. K., Hicke, A. J., Quigley, B. H., Rabinowitz, R. A., & Thornton, H. D. (2016). Quantifying the effects of deforestation and fragmentation on a range-wide conservation plan for jaguars. *Biological Conservation*, 203, 8-16.
13. Paola, M., Cafarelli, B., Boccaccio, L., Leronna, V., Labadessa, R., Kosmidou, V., & Nagendra H. (2013). Using landscape structure to develop quantitative baselines for protected area monitoring. *Ecological Indicators*, 33, 82-95.
14. Pierik, E. M., DellAcqua, M., Confalonieri, R., Bocchi, S., & Gomasasca, S. (2016). Designing ecological corridors in a fragmented landscape: A fuzzy approach to circuit connectivity analysis. *Ecological Indicators*, 67, 807-820.
15. Qi, K., Fan, Z., Ng, N. C., Wang, X., & Xie, X. (2017). Functional analysis of landscape connectivity at the landscape, component, and patch levels: A case study of Minqing County, Fuzhou City, China. *Applied Geography*, 80, 64-77.
16. Scariot, E. C., Almeida, D., & Santos, J. E. D. (2015). Connectivity dynamics of araucaria forest and grassland surrounding passo fundo national forest, southern Brazil. *Natureza & Conservação*, 13, 54-59.
17. Skokanová, H., & Eremlásová, R. (2013). Landscape functionality in protected and unprotected areas: case studies from the Czech Republic. *Ecological Informatics*, 14, 71-74.
18. Spencer, D., Haulkos., D., Hagen, C., Daniels, M., & Goodin, D. (2017). Conservation reserve program mitigates grassland loss in the lesser prairie-chicken range of Kansas. *Global Ecology and Conservation*, 9, 21-38.
19. Townsend, P. A., Lookingbill, T. R., Kingdon, C. C., & Gardner, R. H. (2009). Spatial pattern analysis for monitoring protected area. *Remote Sensing of Environment*, 113, 1410-1420.
20. Valerio, F., Basile, M., Balestrieri, R., Posillico, M., Donato, D. S., Altea, T., & Matteucci, G. (2016). The reliability of a composite biodiversity indicator in predicting birdspecies richness at different spatial scales. *Ecological Indicator*, 71, 627-635.